

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

الحاج خلیل الله ناظم باختري
همبورگ - جرمني

نواي غربت - ۲

(بخش سوم)

رباعيات و دوبيتي ها

از زبان استاد استادان محترم محمد يوسف يوسف

سابق مدير لېسه امانی

از کارهای نامطلوب دست بردارید

نام من يوسف و نام والد یعقوب است
ای مسلمانان در حکم خدا و مُصطفا

دین ما سر تا قدم یک دین پاک و خوب است
کشتن و قتل و قتال یک کار نا مطلوب است

بهر خیر انسان

ملا از بهر خیر مُسلمین است
نمی داند مگر معنای اسلام

نمی دانم چرا غم آفرین است
که بهر خیر انسان است و اجسام

باغ معرفت

هر کسی خدمتگزاری میکند نامش بجاست
پرطراوت می شود گلهای باغ معرفت

حاصل عمرش نهال وحدت و صلح و صفاست
آفرین بر مزد شست باغبان نام خداست

در دُکان معرکه

کرزی ار خاموش باشد بهتر است
چون مداری در دکان معرکه

هر چه می گوید خلافِ باور است
گاهی انتر می شود گاه منتر است

غریق بحر غفلت

هر قدر فریاد کردم گوش کرزی کم شنید یا شنید و از تجاهل یک نظر سویم ندید
چون غریق دمبدم در قعر دریا می رود چاره دیگر ندارد آب که از سر پرید

سال عقل و دانش

یکهزار و سه صد و هشتاد و هشت هم به شهر و هم به ده و هم به دشت
سال عقل و دانش و توفیر است وقت جهل و جنگ، در میهن گذشت

شب‌نم ثریا آواز خوان تاجکی

آواز خوشی دارد و بابِ دل ما است شب‌نم ثریا است
سر تا به قدم شاخه گل جلوه نما است شب‌نم ثریا است